



تأثیر متغیر ایران بر روابط نظامی، اقتصادی و سیاسی چین و رژیم اسرائیل*



دکتر مرتضی نورمحمدی** - وحید افراسیابان***

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

ایران و رژیم اسرائیل دو خصم منطقه‌ای در غرب آسیا، هر دو روابط نزدیکی با چین دارند، موقعیت و جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه باعث گردیده بتواند به عنوان یک متغیر بر روابط دوجانبه رژیم اسرائیل و چین اثرگذار باشد. پرسش کلیدی در این مقاله این است که متغیر ایران چگونه روابط چین و رژیم اسرائیل را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ روش پژوهش در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به صورت توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. نتایج حاصله از این پژوهش موید آن است که ملاحظات چین نسبت به موازنه قوا در غرب آسیا از یک سو، میان بازیگران اصلی منطقه همچون ایران و رژیم اسرائیل، همچنین ملاحظات استراتژیک چین به بازیگری ضد آمریکایی ایران در مقابل متحدان آمریکا در منطقه غرب آسیا از جمله رژیم اسرائیل از سوی دیگر، نهایتاً حفظ ایران به عنوان زنجیره تامین با ثبات انرژی، روابط چین و رژیم اسرائیل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تجدید نظر طلبی و بازیگری ضد آمریکایی ایران در ساختار نظام بین‌الملل، درمواجه با نقش‌آفرینی سایر قدرت‌های طرفدار حفظ وضع موجود در منطقه خاورمیانه، مانند ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل، ایجادگر موازنه‌ای است که ماحصل آن را بر ثبات تامین جریان انرژی برای چین می‌توان مشاهده نمود.

کلیدواژگان

ایران، روابط چین و رژیم اسرائیل، ملاحظات استراتژیک، موازنه قدرت.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای وحید افراسیابان با راهنمایی دکتر مرتضی نورمحمدی است.

** نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، / ایمیل: mnourmohammadi@atu.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبائی.

Article Link: https://www.isjq.ir/article_156147.html

مقدمه

ایران و چین دولتهای تجدید نظرطلبی هستند که به دو گونه متفاوت در نظام بین‌الملل به نقش آفرینی می‌پردازند. تجدید نظرطلبی این دو کشور همپوشانی‌هایی را در سیاست خارجی آنها به وجود آورده است. هر دو کشور از نظم بین‌المللی کنونی ناراضی بوده و به دنبال تغییر وضع موجود به نفع خویش می‌باشند. بدیهی است که شیوه ایران و چین در تغییر وضعیت موجود متفاوت است، اما رویکرد غرب در مواجهه با آنها یکسان بوده است. غرب از تحریم‌های اقتصادی، نظامی و تکنولوژیک در مواجهه با آنها بهره می‌برد. تحریم‌های نظام بین‌الملل، باعث نزدیکی ایران و چین به ویژه در حوزه اقتصاد گردیده است.

چین به عنوان قدرتی اقتصادی توانسته است که گشایشی مهم را برای ایران پدید آورد، تا بتواند با فشارهای غرب در حوزه اقتصادی و تکنولوژیک مقابله نماید. از سوی دیگر اولویت قرار دادن اقتصاد برای چین باعث گردیده است نگاه این کشور نسبت به رژیم اسرائیل، با نگاه این کشور نسبت به ایران کاملاً متفاوت باشد. در این مقاله قصد داریم به بررسی نقش ایران به عنوان متغیری اثرگذار بر روابط دوجانبه چین و رژیم اسرائیل بپردازیم. پرسش مهمی که در ابتدا بیان می‌داریم این است که چگونه ایران می‌تواند به عنوان یک متغیر، بر روابط رژیم اسرائیل و چین اثر بگذارد؟ ملاحظات استراتژیک چین نسبت به ایران و ایران نسبت به چین، به واسطه عدم تقارن سیاسی و اقتصادی آنها با یکدیگر متفاوت می‌باشد. در ادامه می‌توانیم چنین فرض نماییم که، برای چین موازنه قوا در منطقه خاورمیانه به ویژه خلیج فارس بسیار مهم است. زیرا ارتباط مستقیمی با تامین با ثبات انرژی برای این کشور دارد.

از سوی دیگر بازیگری ضد آمریکایی ایران در مقابل متحدان ایالات متحده در منطقه غرب آسیا از جمله رژیم اسرائیل، بخشی از ملاحظات استراتژیک چین می‌باشد. زیرا ایران این قابلیت را دارد که به عنوان زنجیره تامین با ثبات انرژی، نیازهای این کشور را تامین نماید. تحولات جهانی باعث گردیده که حضور چین در عرصه جهانی با دهه‌های گذشته متفاوت باشد. از نظر چین پیشرفت اقتصادی در قالب کاهش نزاع‌های ایدئولوژیک در منطقه خاورمیانه میسر خواهد بود. برای چین سیاهی یا سفیدی گربه مهم نمی‌باشد تا زمانی که بتواند موش بگیرد گربه خوبی خواهد بود. طبیعتاً چین حفظ موازنه قوا (موازنه سازی بین این دو خصم منطقه‌ای در غرب آسیا) را بهترین راه حل می‌داند، زیرا پرهیز از هرگونه جنگ از سوی طرفین را در پی خواهد داشت که در راستای حفظ توسعه و منافع اقتصادی چین است.

چین در روابط خود با ایران سعی می‌کند ملاحظات آمریکا و رژیم اسرائیل، را نیز در نظر بگیرد. با ادامه روند اصلاحات به رهبری شیائوپینگ، سیاست خارجی چین به شدت اقتصاد محور بوده و

¹. Iran's anti-American Role

بر اساس مواجهه مستقیم و یا چالش‌گری در برابر هژمونی آمریکا طراحی نگردیده است. این کشور از ابزارهای اقتصادی برای نیل به اهداف سیاسی بهره می‌جوید. از دگرسو، سیاست خارجی ایران در بسیاری از مواقع، ایدئولوژیک بوده اما همچنان چین را همکاری استراتژیک در نظر گرفته است.

در غرب آسیا، تنش میان ایران و رژیم اسرائیل موجب سطح وسیعی از اختلافات شده است که زمینه‌ساز رقابت آنها در حوزه‌های راهبردی منطقه گردیده است. اختلاف آنها در ابعاد چندگانه امنیتی، سیاسی، هویتی، اقتصادی و ایدئولوژیک قابل بررسی است. رژیم اسرائیل تلاش نموده با تشکیل ائتلاف و راهبردهای موثر در موازنه قدرت، از نفوذ هر چه بیشتر ایران در منطقه جلوگیری نماید تا بتواند قدرت نسبی ایران در منطقه را کاهش دهد. چین به نگاه رژیم اسرائیل واقف است. از این رو بهترین راهبرد را در موازنه سازی میان آن دو و سایر دوگانه‌های منطقه خاورمیانه می‌بیند. این موازنه سازی به زنجیره تامین با ثبات انرژی در منطقه کمک می‌کند.

۱- پیشینه پژوهش

ارزیابی تأثیر متغیر ایران بر روابط چین و رژیم اسرائیل در حوزه نظامی، اقتصادی، سیاسی بر روابط چین و رژیم اسرائیل از ویژگیهای پژوهش حاضر می‌باشد که وجه تمایز آن با آثار موجود در این زمینه را نشان می‌دهد.

از دلایل پرداختن به این پژوهش را می‌توان به اهمیت رژیم اسرائیل در سیاست خارجی ایران در ابعاد منطقه‌ای و جهانی و تأثیری که الگوی رفتاری این رژیم، بر امنیت ایران در ابعاد منطقه‌ای و ملی می‌گذارد اشاره داشت. همچنین جایگاه چین در سیاست خارجی ایران به عنوان یک قدرت نوظهور و گاهاً به مثابه شریکی راهبردی باعث گردیده که پژوهشی مستقل، درباره ابعاد نقش ایران بر روابط چین و رژیم اسرائیل صورت پذیرد. محور تمایز در این پژوهش، تأثیر متغیر ایران بر روابط چین و رژیم اسرائیل می‌باشد. در ادامه، به چند نمونه از پژوهش‌هایی که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهشی حاضر دارد، به عنوان پیشینه پرداخته شده است.

انوشیروان احتشامی و نیو هورش (۲۰۱۸) در کتابی با عنوان «حضور چین در خاورمیانه»، به بررسی آثار طرح ابتکاری «یک کمربند یک جاده» پرداخته است. این کتاب دربرگیرنده تعدادی از مقاله‌های مرتبط در حوزه جاده ابریشم نوین بوده است. لذا روابط خاورمیانه‌ای چین را از منظر ابتکار «یک کمربند یک جاده» مورد تحلیل قرار داده است. در این کتاب عنوان گردیده که اهمیت خاورمیانه، باعث مشارکت چین در پروژه‌های زیربنایی کشورهای خاورمیانه شده است و پیامد این مشارکت، بر سایر قدرت‌های ذینفع منطقه، نظیر روسیه تحلیل گردیده است. نهایتاً نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که چین به وسیله پروژه یک کمربند یک جاده، استراتژی بهبود مسالمت‌آمیز^۱ و نفوذ

^۱. Peaceful Rise

قدرت نرم خود در منطقه را دنبال می‌کند، البته در قسمتی دیگر از کتاب، بررسی ابتکار کمربند جاده برای رژیم اسرائیل و ایران پرداخت شده است. نوآوری این پژوهش نسبت به این اثر در این است که حضور چین در خاورمیانه صرفاً محدود به ابتکار «یک کمربند یک جاده» نشده، بلکه متغیرهای متفاوت و اهمیت نقش ایران لحاظ گردیده است.

شیرا افرن و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در کتابی با عنوان «رژیم اسرائیل در حال تکامل رابطه با چین»، (Efron, 2019) تحقیقات وسیعی را در مورد همکاری‌های دفاعی، اقتصادی و نیز سرمایه‌گذاری چین در رژیم اسرائیل انجام داده و بر اساس آن به پیامدهای سیاسی رابطه رو به رشد آنها بر آمریکا پرداخته است. نوآوری این پژوهش نسبت به این اثر در این است که خود را محدود به همکاری‌های دفاعی، اقتصادی میان رژیم اسرائیل و چین و پیامدهای آن بر آمریکا نکرده بلکه مساله ملاحظات چین نسبت به موازنه قوا در غرب آسیا، ملاحظات استراتژیک چین به بازگیری ضد آمریکایی ایران در مقابل متحدان آمریکا در غرب آسیا و نیز حفظ ایران به عنوان زنجیره تامین با ثبات انرژی مورد توجه قرار گرفته است.

دُرُن الا^۲ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه‌گذاری چین در رژیم اسرائیل توسعه و نگاهی به آینده» (Ella, 2021) به سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در زمینه فناوری‌های پیشرفته در دهه گذشته در رژیم اسرائیل پرداخته است. بررسی جامع این موضوع، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری چین در رژیم اسرائیل در سال ۲۰۱۸ به اوج خود رسید و پس از آن شروع به کاهش نموده است. نوآوری این پژوهش نسبت به این اثر در این است که به تاثیرگذاری ایران به عنوان یک متغیر در سرمایه‌گذاری چین در رژیم اسرائیل می‌پردازد.

شریعتی‌نیا (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین» (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۷۹)؛ (Shariatinia, 2012: 179) این پرسش را مطرح کرد که چه متغیرهایی روابط ایران و چین را شکل می‌دهند. از نظر او برخی هم‌پوشانی‌ها در سیاست خارجه دو کشور، مبادلات اقتصادی و نظامی و همکاری در حوزه انرژی، عوامل توسعه بخش روابط دو کشور هستند. از دیگر سو، انتخاب استراتژیک چین و روابط همکاری‌جویانه این کشور با قدرت‌های غربی عوامل محدودکننده این روابط به شمار می‌آیند. نوآوری این پژوهش نسبت به این اثر در این است که منحصراً به عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین نپرداخته، بلکه به نقش ایران به عنوان یک متغیر تاثیر گزار بر روابط چین و رژیم اسرائیل پرداخته است.

فریبرز ارغوانی پیرسلامی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «توسعه روابط چین و رژیم اسرائیل در دوران بعد از جنگ سرد و تحلیل سناریوهای امنیت‌زدایی برای ایران»،

^۱. Shira Efron, Howard J. Shatz, Arthur Chan, Emily Haskel, Lyle J. Morris, Andrew Scobell

^۲. Doron Ella

(Arghavani Pirsalami, 2020: 205) به بررسی شاخصه‌های توسعه چین بعد از جنگ سرد پرداخته و پیامدهای آن بر ایران را مورد ارزیابی قرار داده است. مولفه اقتصادی در سیاست خارجی هر دو کشور، تلاش چین برای دستیابی به مقام هژمون و راهبرد رژیم اسرائیل برای بهبود وجهه جهانی و موقعیت منطقه‌ای آن، روابط رژیم اسرائیل و چین را به شکلی جامع در آورده است. ایشان در این پژوهش به این سوال پاسخ می‌دهند که شاخصه‌های توسعه چین و رژیم اسرائیل، در دوران بعد از جنگ سرد چه می‌باشد. نوآوری این پژوهش نسبت به این اثر در این است که ایران به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده است، که قابلیت تاثیر بر روابط چین و رژیم اسرائیل دارد. اما در اثر فریبرز ارغوانی پیرسلامی و همکاران توسعه روابط چین و رژیم اسرائیل متغیر مستقل در نظر گرفته شده است و ایران را متغیر وابسته و تاثیر پذیر لحاظ نموده‌اند.

هانا رئال و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «چین از کجا نفت به دست می‌آورد» به بررسی این موضوع می‌پردازند که چین چگونه و در چه زمانی، به بزرگترین واردکننده نفت جهان مبدل گردید. از این رو به وابستگی روزافزون این کشور به نفت در دو دهه اخیر و اهمیت ثبات در تامین آن پرداخته شده است. نوآوری این پژوهش نسبت به این اثر در این است که حفظ ایران به عنوان زنجیره تامین با ثبات انرژی برای چین مورد بررسی قرار گرفته است.

شیخ الاسلامی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «اهمیت و جایگاه فناوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال رژیم اسرائیل» (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۸: ۹۳)؛ (Sheykh Al-Islami, 2019: 93)، در بررسی علل نزدیک شدن روزافزون چین به رژیم اسرائیل به این پرسش می‌پردازند که اهمیت و جایگاه فناوری برتر در راهبرد سیاست خارجی چین در قبال رژیم اسرائیل چگونه بوده است؟ بدین منظور، جایگاه رژیم اسرائیل در سیاست خارجی چین را مورد بررسی قرار داده، سپس با نگاهی به مناسبات دوجانبه سیاسی-امنیتی و اقتصادی-فرهنگی چین با این رژیم به رویکرد ایالات متحده نسبت به چین پرداخته است. نوآوری این پژوهش نسبت به این اثر در این است که متغیرهای دیگری چون ایران را بر روابط آنها از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

موازنه قدرت، از اصلی‌ترین موضوعات مورد بحث در روابط بین‌الملل به حساب می‌آید. نظریه پردازان معتقدند ساختار نظام بین‌الملل بدون وجود موازنه قدرت ادامه پیدا نمی‌کند. تمام شاخه‌های منشعب از نظریه واقع‌گرایی، در اصول تفاوتی نداشته و در چند اصل مشترکند. اولاً، دولت‌ها، اصلی‌ترین بازیگران در عرصه بین‌الملل بوده که در موازنه سازی نقش دارند. دوماً، آنارشی، ویژگی مهم نظام بین‌الملل است. سوماً، دولت‌ها، بازیگران عقلانی بوده که دنبال منافع ملی و تعقیب

¹. Hannah Reale, Emma Bingham, and Kara Greenberg

سود حداکثری می‌باشند. البته نقش نهادهای اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی در امنیت جهانی نباید نادیده گرفته شود. برخی متفکران باور دارند که موازنه قوا از اثرگذارترین مفاهیم در بیان ماهیت نظام بین‌الملل بعد از قرن شانزدهم می‌باشد. (دان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۸)؛ (Dan 2017: 138).

موازنه قدرت از اساسی‌ترین بخشهای واقع‌گرایی در بیان سیاست بین‌الملل است که از ابتدا تاکنون با توجه به پویایی بین‌الملل تغییراتی داشته است. والتز نظریه پرداز نئورئالیسم معتقد است امنیت در نظام بین‌الملل زمانی افزایش می‌یابد که توزیع قدرت نظامی باعث شود هیچ دولتی توانایی اعمال قدرت بر سایرین را نداشته باشد. در غیر اینصورت دولتها از توانمندی خود در جهت حمله به دولتهای ضعیف‌تر بهره می‌برند و دولتهای در معرض خطر، به ائتلاف‌های تدافعی می‌پیوندند (Kegley & Wittkopf, 2005: 503).

والتز، موازنه را بر دو نوع داخلی (ارتقاء توانمندی نظامی داخلی)، خارجی (اتحاد سازی و تجمیع توانمندی نظامی از سوی چند دولت، علیه قدرتی برتر) می‌داند (Piano et.al., ۲۰۰۴). با توجه به اینکه دولتها، کنشگران اصلی نظام بین‌الملل بوده و تحت تاثیر آنارشی، در پی افزایش امنیت خود می‌باشند، لذا موازنه سازی، نظامی از اتحاد قدرت‌ها خواهد بود که در آن صلح از طریق برابری نسبی قدرت، میان بلوک‌های رقیب برقراری می‌شود. (Nye 2004: 156). بر طبق موازنه قدرت، امنیت بین‌المللی زمانی افزایش می‌یابد که در قدرت نظامی توزیعی، هیچ دولتی توانایی تفوق بر دیگر دولتها را نداشته باشد (Kegley & Wittkopf, 2005: 503).

موازنه سازی سخت، موازنه سازی سخت محدود، موازنه سازی نرم، سه نوع موازنه هستند. موازنه نرم معمولاً در چارچوب ائتلاف سازی دیپلماتیک، اجماع سازی سیاسی، تحمیل نمودن تحریم اقتصادی، کنش‌ورزی در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی صورت می‌گیرد. البته قابلیت تبدیل شدن به راهبردی، جهت موازنه سازی سخت، در آینده را دارد. (Han & Paul, 2020). موازنه نرم، دو شکل درونی و بیرونی دارد که در شکل بیرونی، تاکید بر تلاش‌های دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی داشته و در شکل درونی، به بسیج منابع، تلاش سیاسی، اقتصادی، نظامی یک دولت با هدف افزایش توانایی جهت رویارویی با تهدیدهای قدرت هژمون، تاکید می‌گردد. (رضایی، ۲۸۵: ۱۳۸۷)؛ (Rezaie, 2008: 285).

چین با اجرای اصلاحات اقتصادی، از سال ۱۹۷۹ تا سال ۲۰۱۸، به طور میانگین نرخ رشد سالانه ۹٫۵ درصد را تجربه کرده است. این امر، چین را مبدل به یکی از پویاترین اقتصادهای جهانی نموده است. از سوی بانک جهانی، رشد اقتصادی چین سریع‌ترین و با ثبات‌ترین رشد در تاریخ توصیف گشته است. (Morrison, 2019). بازار بزرگ، فناوری و سود حاصل از تجارت با چین، باعث گردیده سایر کشورها به اتخاذ رفتارهای سخت در موازنه‌سازی با این کشور واداشته نشوند

(Kissinger, 2011:23). رشد چین محدود به حوزه اقتصاد نشده، این کشور در جهت اجرای رویکردی فعال در نظام بین‌الملل، به تقویت توانمندی نظامی خود در دو دهه اخیر پرداخته است. برآورد موسسه بین‌المللی مطالعات استکهلم، حاکی از آن است که چین رتبه دوم در بودجه نظامی را بعد از آمریکا دارد.

والتر در کنار مفاهیمی چون منافع ملی، دولت‌گرایی، خودیاری، نظام آنارشیک بین‌الملل، امنیت ملی، از وابستگی متقابل بین کشورها سخن به میان آورده است. با توجه به رشد اقتصادی و نظامی چین، اقدام‌چندانی از سوی سایر قدرت‌ها در راهبرد موازنه‌سازی، علیه چین صورت نگرفته است. این مهم نشان‌دهنده شکل جدیدی از موازنه‌سازی می‌باشد. در سیاست خارجی چین موازنه‌سازی، در ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی با سایر کشورها تعریف می‌گردد. وابستگی متقابل، هزینه اجرای موازنه‌سازی سخت را افزایش می‌دهد. نئورئالیست‌ها معتقدند بدون موازنه قدرت، اهداف بلندمدت استراتژیک نمی‌تواند تحقق یابد، هر کشوری بر اساس شرایط ژئوپلیتیک خود اقدام به موازنه‌سازی می‌نماید. کشورهایی که در مرزهای جغرافیایی، در جوار تهدید همسایگان قرار دارند، نیاز بیشتری به موازنه قدرت دارند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۳۳)؛ (Mosalla Nejad, 2011: 133-135).

چین با توجه به نیاز روزافزون به انرژی، به ثبات خاورمیانه نیازمند است. لذا این کشور در جهت موازنه‌سازی در این منطقه گام بر می‌دارد. در خاورمیانه، چارچوب موازنه قدرت با تأکید بر برابری نسبی قدرت میان ایران و رژیم اسرائیل، بستر محافظه‌کارانه‌ای را بین آن دو، فراهم آورده است. نظام موازنه منطقه‌ای مبتنی بر تعادل قدرت و کنشگری کشورهایی است که درصدد دستیابی به قدرت مازاد یا جایگاه برتر در منطقه هستند (Berry & Roskin 1999: 139). هر موازنه قدرتی در منطقه، دخالت قدرت‌های بزرگ را در پی دارد. قدرت‌هایی نظیر چین، با توجه به قابلیت ایجاد وابستگی در کشورهای منطقه، توانایی تأثیرگذاری بر موازنه‌های منطقه‌ای قدرت را دارند، حضور روزافزون چین در خاورمیانه در این زمینه ارزیابی می‌شود.

ایران و رژیم اسرائیل، در تلاش برای موازنه‌گرایی منطقه‌ای هستند. (متقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۰۷)؛ (Motaghi, 2016:107-109)؛ زمانی که بازیگران منطقه‌ای یا قدرت‌های بزرگ، در صدد تغییر موازنه قدرت بر آیند، زمینه همکاری سایر کنشگران، در چارچوب ائتلاف‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی فراهم می‌گردد (Barzegar, 2010:75). قدرت‌های منطقه‌ای ساختارهای امنیت منطقه‌ای را معین کرده و توانایی آنها در سطح منطقه قابل توجه می‌باشد.

قدرت‌های بزرگ امکان این را دارند که در محاسبات خود، این گونه ساختارهای امنیتی را در نظر نگیرند، موضوعاتی مانند نمایش و افزایش قدرت، تولید اعتبار، موضوعاتی هستند که توازن منطقه‌ای را حفظ می‌کنند. (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵)؛ (Motaghi, 2013:165).

ایران و رژیم اسرائیل به دنبال جذب سرمایه از قدرت‌های بزرگی چون چین و آمریکا هستند. ایران بخاطر وجود تعارضات ایدئولوژیک با آمریکا، معطوف به همکاری با چین در موازنه قدرت منطقه‌ای، مقابل رژیم اسرائیل می‌باشد.

شالوده سیاست خاورمیانه ای چین، بر اصل موازنه قدرت منطقه‌ای، میان دوگانه متضاد ایران و رژیم اسرائیل است. چین از موازنه قدرت در منطقه خاورمیانه ذینفع بوده و می‌خواهد ایران را با توجه به بازیگری ضد آمریکایی که دارد به عنوان زنجیره تامین با ثبات انرژی، حفظ نماید. سیاست منفعت محور چین، از این طریق سعی در حفظ ثبات و امنیت خاورمیانه دارد.

۳-تاریخچه

۳-۱- ایران و چین دو امپراتوری بزرگ شرق

ایران و چین قدمتی کهن در روابط دارند. جاده ابریشم و نفوذ فرهنگی متقابل، از نمادهای روابط آنهاست. روابط جدید دو کشور حدوداً چهار دهه قدمت دارد. در سال ۱۹۴۹ انقلاب چین با محوریت کمونیسم رخ داد. بعد از جنگ جهانی دوم، ایران با حضور در جبهه غرب، در خط مقدم مبارزه با کمونیسم شوروی بود، لذا بدیهی بود چین کمونیست را به رسمیت نشناسد. از این رو این دوره تا وقوع انقلاب ایران، دوره سردی در روابط آنها به حساب می‌آید.

تقارن وقوع انقلاب ایران با اجلاس سوم کنگره حزب کمونیست چین، جایگاه دو کشور در سیاست بین‌الملل را عوض نمود. استراتژی کلان چین از انقلابی‌گری به توسعه‌گرایی تغییر یافت. منافع مادی، عامل نزدیکی این دو کشور به یکدیگر گردید و مباحث ایدئولوژیک در پیوند آنها بعد از انقلاب، نقشی نداشته‌اند. منابع انرژی، بازار بزرگ مصرف، قدرت منطقه‌ای ایران در غرب آسیا، رویکرد تجدید نظرطلبانه ایران به نظام بین‌الملل و نظم موجود در آن، مزایایی بودند که چین به آسانی از آنها چشم پوشی نمی‌کرد. موارد مطروحه سبب ساز ملاحظاتی استراتژیک، برای چین گردیدند.

۳-۲- قطع روابط ایران و رژیم اسرائیل

رژیم اسرائیل و ایران با قطع روابط خود بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ و نیز حمایت از فلسطین و خواست ایران در نابودی این رژیم، نهایتاً فعالیت‌های هسته‌ای ایران و از سمت دیگر، تلاش رژیم اسرائیل در معرفی ایران به عنوان عامل بی‌ثباتی در منطقه، نقش منفی رژیم در روابط ایران و آمریکا، نشان از عمق تنش فی مابین دارد.

۳-۳- چین، دوگانه ای متعارض به نام ایران و رژیم اسرائیل

چین در چهار دهه گذشته از مواضع کشورهای عربی در قبال رژیم اسرائیل، حمایت سیاسی

¹. Contradictory Duality

². Anti-American Acting

کرده، البته بعد از اتخاذ رویکرد سیاست درب‌های باز و اولویت قرار دادن توسعه اقتصادی در سیاست داخلی و خارجی، موضع این کشور در خصوص اختلاف‌های اعراب با رژیم اسرائیل تغییر نموده است. همه این موارد باعث گردیده که دولت چین با دوگانه‌ای متعارض به نام ایران و رژیم اسرائیل مواجه گردد که در ادامه به طور مبسوط به آن خواهیم پرداخت.

۴- متغیر ایران در روابط چین و رژیم اسرائیل

ویژگی سیاست خارجی رژیم اسرائیل توسعه رابطه با قدرت‌های نوظهوری^۱ نظیر چین است. راهبرد رژیم اسرائیل برای بهبود موقعیت خود از یک سو و تلاش چین برای دستیابی به موقعیت هژمونیک از سوی دیگر، این دو را به هم نزدیک نموده است.

توسعه روابط چین و رژیم اسرائیل در همه زمینه‌ها روندی صعودی داشته که می‌تواند تهدیدی بر روابط دو جانبه چین و ایران در حوزه‌های مختلف نظیر انرژی یا نظامی تلقی گردد. پیشرفت در حوزه‌های مختلف نظیر فناوری، انرژی، نظامی عواملی هستند که جایگاه روابط چین و رژیم اسرائیل را ارتقا داده‌اند. چین در جهت رسیدن به قدرت هژمونیک، به فناوری‌های پیشرفته رژیم اسرائیل که به واسطه آمریکا دریافت نموده نیاز دارد. ایالات متحده و دولتهای غربی از انتقال این فناوری‌ها به چین خصوصاً در حوزه نظامی امتناع نموده‌اند. لذا چین برای پر کردن این خلاء، به نزدیکی به رژیم اسرائیل روی آورده است، از سوی دیگر، به واسطه اینکه چین بازار بزرگی برای کالاها و خدمات رژیم اسرائیل محسوب می‌شود، فرصتی بی نظیر را برای رژیم اسرائیل مهیا نموده است.

توسعه روزافزون روابط چین و رژیم اسرائیل در زمینه‌های مختلف عاملی تهدید کننده در روابط چین و ایران به حساب می‌آیند. از طرفی دیگر روابط وسیع ایران و چین در حوزه‌های مختلف، فراوانی انرژی، بازار بزرگ، قدرت منطقه‌ای و رویکرد تجدید نظر طلبانه^۲ ایران عواملی هستند که توان تاثیرگذاری بر روابط چین و رژیم اسرائیل را دارند. مزیت‌های ایران باعث گردیده چین نتواند به راحتی از آن چشم‌پوشی کند. تجدید نظر طلبی ایران در نظام بین‌الملل، موجب تحریم غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا علیه این کشور شده است، از این رو نگاه ایران به چین مبین شریکی موازنه کننده در برابر غرب می‌باشد. این نکته را باید در نظر داشت که این نگاه فراتر نمی‌رود. به عنوان مثال چین تحت فشار آمریکا و لابی صهیونیسم، از برخی سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت نفت و گاز و سد سازی ایران بیرون رفته یا از سرمایه‌گذاری جدید اجتناب کرده است. مهمترین نمونه آن را می‌توان در کناره‌گیری چین از طرح توسعه فاز یازده پارس جنوبی مشاهده نمود که قرار بر این بود چین بیست میلیارد دلار در این بخش سرمایه‌گذاری نماید، در نهایت با

^۱. Emerging Powers

^۲. A Revisionist Approach

خُلف وعده فراوان، بعد از سه سال از این پروژه کناره‌گیری کرد. کنار کشیدن چین از سرمایه‌گذاری در احداث سد بختیاری نمونه دیگری در این زمینه است. لذا نگاه ایران به چین، در حد یک شریک استراتژیک بسط نمی‌یابد. ایران در موضوعاتی نظیر عضویت در سازمان شانگهای یا در موضوع برنامه هسته‌ای و در مواردی دیگر، نظیر همراهی چین با غرب در بلوکه نمودن دارایی‌های ایران به بهانه تحریم‌های آمریکا، دریافتی است که نمی‌تواند چین را به عنوان شریکی استراتژیک تلقی نماید. اما ضروری می‌داند با اتخاذ نقشی فعال بر روابط چین و رژیم اسرائیل تأثیر گذاری نموده تا جلوی تغییر موازنه به ضرر ایران در سطح منطقه گرفته شود. ثانیاً با استفاده از ظرفیت‌های چین در نهادهای بین‌المللی از تلاش‌های مشروعیت بخش رژیم اسرائیل بکاهد و مفهوم ایران هراسی را که این رژیم علیه ایران دنبال می‌کند را از خنثی نماید. باید دقت نظر داشت که سیاست خارجی چین و ایران دارای تفاوت اساسی است. چین به دنبال چالش‌گری مستقیم با آمریکا نبوده، در حالیکه ایران در سیاست خارجی خود به دلیل ماهیت ایدئولوژیک، این چالش‌گری را دارد. البته میزان این چالش‌گری، در دوره‌های مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در ادامه به بررسی نقش ایران در سه حوزه روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی میان رژیم اسرائیل و چین می‌پردازیم.

۴-۱- تأثیر متغیر ایران در روابط سیاسی چین و رژیم اسرائیل

رژیم اسرائیل در منطقه غرب آسیا، در محاصره کشورهای قرار گرفته و با بحران عدم مشروعیت مواجه است، مردم منطقه، این رژیم را به رسمیت نمی‌شناسند. (به استثنای بحرین و امارات متحده عربی که اساساً در این تقسیم‌بندی جای نمی‌گیرند). لذا این رژیم برای سرپوش نهادن بر بحران عدم مشروعیت به تعمیق روابط سیاسی خود با چین پرداخته و از این تعمیق روابط به دنبال مشروعیت‌بخشی^۱ برای خود بوده است. حضور ایران (به همراه بازوهای منطقه‌ای اش)، نوعی نگاه احتیاط‌آمیز را برای چین رقم زده است. چین آگاه است که با مشروعیت‌بخشی محض به رژیم اسرائیل باعث خواهد شد ایران و دولت‌های مخالف رژیم اسرائیل در منطقه، بر حسن نیت چین با دیده شک و تردید بنگرند، این امر در بلند مدت با نفوذ نرم چین مغایرت خواهد داشت. ایران با نفوذ منطقه‌ای، از لحاظ سیاسی این قابلیت را دارد که بر مشروعیت‌بخشی یکطرفه چین نسبت به رژیم اسرائیل در مقابل ملت فلسطین اثر گذاری نماید.

رژیم اسرائیل، چین را هژمونی می‌بیند که در آینده نزدیک، به نظم‌سازی در ساختار نظام بین‌الملل خواهد پرداخت. از این رو به دنبال تنوع بخشی در سیاست خارجی خود بوده و با توجه روابط گسترده چین با ایران و رویکرد ضد آمریکایی ایران، به دنبال ریسک‌گریزی در سیاست خارجی خود می‌باشد. این رژیم منطقی نمی‌داند که تمام تخم مرغ‌هایش را در سبد آمریکا قرار

^۱. Legitimacy

دهد، از این رو اقدام به بهبود روزافزون روابط سیاسی خود با چین نموده تا موازنه ای سیاسی را در مقابل ایران، در رابطه با چین ایجاد نماید. چین به دلیل وابستگی به نفت غرب آسیا، حفظ موازنه سازی در این منطقه را مناسب ترین روش در نظم منطقه ای جهت پرهیز از هرگونه جنگ ضروری می بیند. رژیم اسرائیل با علم به این موضوع، با گسترش روابط سیاسی خود با چین، علاوه بر حفظ این موازنه، اعمال فشار بر ایران و (سایر ملت های منطقه) را همزمان در دستور کار دارد.

ایران میان انرژی، سیاست و اقتصاد در چین، رابطه ای مستقیم می بیند که اگر در روند هر کدام خللی وارد گردد، باعث تسری به بخش های دیگر خواهد شد. در منطقه غرب آسیا، میان چهار قدرت ایران، ترکیه، عربستان، رژیم اسرائیل، تنها ایران است که سیاست های ضد آمریکایی دارد. سایر قدرت های منطقه ای کم و بیش هم راستا با سیاست های آمریکا گام بر می دارند. ایران با نقشی موازنه ساز در مقابل سایر قدرت های منطقه تأثیری مهم بر روابط چین و رژیم اسرائیل دارد. ایران با داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی و چهارمین ذخایر بزرگ نفتی در جهان می تواند به عنوان کنشگری مهم، در محاسبات استراتژیک چین در تامین پایدار منابع انرژی به حساب آید که در برابر سلطه استراتژیک آمریکا و تهدیدات آن در منطقه قد علم کند. از طرف دیگر رژیم اسرائیل هم راستا با سیاست های آمریکا در منطقه حرکت می کند، لذا بازیگری ضد آمریکایی ایران، اهرم سیاسی خواهد بود که (در صورت فشارهای یکطرفه آمریکا در ممانعت از تامین انرژی چین)، بر روابط چین و رژیم اسرائیل، اثرگذار می باشد.

دولتمردان چین، قطع ناگهانی جریان نفت را به منزله کمبود انرژی و افزایش چشمگیر قیمت ها قلمداد می نمایند. احساس تهدید از سلطه استراتژیک آمریکا به نفت خلیج فارس این موضوع را القا می کند که آمریکا هر زمانی بخواهد این قابلیت را دارد که از تسلط خود بر مسیرهای مواصلاتی نفت در ممانعت از تامین انرژی چین استفاده نماید (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۷۱)؛ (Akhavan Kazemi 2005: 171)؛ از این رو سیاست های ضد آمریکایی ایران، می تواند این احساس تهدید را از بین ببرد و در روند توسعه چین موثر باشد. نقش سیاسی ایران در قبال چین قبل از آنکه بر منافع سیاسی، ایدئولوژیک و بشردوستانه تاکید داشته باشد، اقتصاد محور است. چین همواره به دنبال شرکایی بوده که منافع اقتصادی اش را بهتر تامین نمایند. تمرکز بر رشد اقتصادی باعث گردیده چین از انتخاب یکطرف در خصوصتهای غرب آسیا پرهیزد.

رژیم اسرائیل از سابقه فرهنگی و تمدنی چین، چنین استنباط می کند که این کشور در دفاع از ملت فلسطین برآید، لذا در تلاش است با تقویت نقش فرهنگی و تمدنی یهود، خود را در حوزه تمدنی به چین نزدیک تر کرده تا این کشور را دچار نرمش نماید. رژیم اسرائیل با آگاهی از نگاه

¹. US Strategic Dominance

². Iran's anti-American Policies

اقتصاد محور چین، می‌داند که مباحث حقوق بشری، فرهنگی، تمدنی در اولویت دوم قرار دارند. با بررسی روابط تمدنی ایران و چین، به عنوان مهمترین امپراتورهای شرق، سنت دولتمداری آنها از ریشه‌ای کهن برخوردار است. امپراتوری ایران و چین در جوار یکدیگر در طول قرون طولانی روابط خاصی را برقرار ساخته‌اند. روابطی که جاده تاریخی ابریشم و نفوذ فرهنگی متقابل دو کشور بر یکدیگر، از مهمترین نمادهای آن به شمار می‌روند، لذا ایران می‌تواند با متغیر تاریخی، تمدنی و نفوذ فرهنگی خود بر چین اثر بگذارد. از طرف دیگر، وجود تمدن اسلامی، تعارضات آن در مقابل تمدن یهود، عاملی مهم در اثرگذاری بر روابط چین و رژیم اسرائیل است. اما باید در نظر داشت که علی‌رغم همه این موارد، همواره نگاه اقتصاد محور چین بر موارد مذکور ارجحیت دارد. چین از نفوذ رژیم اسرائیل در کنگره و میان دولتمردان آمریکا آگاه است و می‌داند قدرت لابی‌گری این رژیم، به واسطه نفوذ در لایه‌های تصمیم‌گیر در کنگره، باعث تاثیرگذاری مستقیم بر آمریکا است. چین می‌تواند از این طریق بر تصمیم‌گیری‌های ایالات متحده تاثیر گزار باشد. لابی رژیم اسرائیل از قدرتمندترین و فراگیرترین گروه‌های سیاسی در آمریکا بوده که در ساختارهای سیاسی آمریکا نفوذ قابل توجهی دارد. کمیته روابط عمومی آمریکا، رژیم اسرائیل (آپیک)، از قدرتمندترین گروه‌های لابی‌گر با تحت فشار قرار دادن آمریکا، سعی در مقابله با ایران دارند. لابی صهیونیسم، به همان میزان که برای ایران ضرر دارد، برای چین می‌تواند اهرمی سودمند در روابط دوجانبه تبدیل گردد که از حساسیت‌های آمریکا در نزدیکی رابطه چین با رژیم اسرائیل بکاهد. نقش ایران بر عملکرد لابی رژیم اسرائیل تاثیر گذار بوده است. آنجا که روابط در جهت نزدیکی و تعاملات دو طرفه چین و رژیم اسرائیل است این لابی قابلیت نقشی همگرا کننده را دارد و در جایی که روابط چین و ایران به سمت نزدیکی میل می‌کند، لابی صهیونیسم در ایجاد واگرایی به ایفای نقش می‌پردازد.

نقش سیاسی دیگر ایران در روابط چین و رژیم اسرائیل، ایجاد مانع در سرمایه‌گذاری چین در این رژیم به ویژه بندر حیفا است. شرکت SIPG چین در سال ۲۰۱۵ طی قراردادی اداره بندر حیفا را برعهده گرفت. این رژیم برای جذب سرمایه و ایجاد رقابت میان بنادر مختلف در فلسطین اشغالی، اقدام به این کار نمود. بهره‌برداری از این بندر جدید، تغییر نظم در لجستیک بندر رژیم اسرائیل را به همراه دارد.

بهره‌برداری از بندر حیفا به عنوان یک چرخش خوشایند که منجر به ساده‌سازی عملیات بندری، کوتاه شدن زمان بارگیری‌ها و کاهش هزینه‌ها شده است، به حساب می‌آید که بر کل اقتصاد رژیم اسرائیل تأثیرات مثبت گذارده است. از طرفی شرکت‌های چینی یکپارچه سازی زنجیره تامین را برای خود در نظر گرفته‌اند، یعنی کالا در یک کارخانه چینی تولید، با کشتی‌های چینی حمل، و از طریق بنداری که متعلق به چین می‌باشد ترخیص می‌شود و همه ارتباطات درون چین شبکه‌ای،

(کاملاً چینی) طراحی می‌شود. در بنادری که شرکت‌های کشتیرانی چینی به آنها رفت و آمد می‌کنند ورود کانتینرهای سایر کشورها کاهش می‌یابد. این موضوع در قراردادی که چین برای اداره بندری مشابه در یونان منعقد نمود مشاهده شده است. این مسئله باعث ایجاد وابستگی این گونه بنادر در تمامی حوزه‌ها به چین خواهد بود.

چین با ایجاد شبکه‌ای از شرکت‌های مختلف به ایجاد وابستگی در بندر حیفا مبادرت نموده است. از سوی دیگر نقش سیاسی ایران در دفاع از حماس و مردم غزه و تاثیر آن بر روابط چین و رژیم اسرائیل را در سال ۲۰۲۱ را نمی‌توان نادیده گرفت. حمایت سیاسی، نظامی ایران از مقاومت و تجهیز آنها بر روابط چین و رژیم اسرائیل و سرمایه‌گذاری فی مابین در بندر حیفا به طور خاص اثرگذارده است. زمانی که رژیم اسرائیل با پرتاب موشک از غزه مواجه گردید، شرکتها و کارگران چینی مستقر در بندر، اقدام به خروج از حیفا نمودند که منجر به ایجاد مشکل در فعالیت بندری حیفا گردید. کارگران چینی تعصبی در دفاع از این گونه بنادر نداشته و اولویت را در حفظ جان و سرمایه خود دیده‌اند.

با شیوع کرونا، ایالات متحده کوشید نظام بین‌الملل را متقاعد نماید که ویروس کرونا یک ویروس چینی بوده است. رژیم اسرائیل با توجه به استقرار در بلوک غرب خرید واکسن فایزر را در دستور کار خود قرار داد. ایران همزمان با تولید واکسن بومی، در دیپلماسی واکسن اقدام به خرید گسترده واکسن از چین نمود. هرچند تحریم غرب بر این خرید اثرگذار بود اما ایران با اعتباربخشی به خرید واکسن‌های چینی توانست در دیپلماسی واکسن به چین نزدیکتر گردد. چین این موضوع را در پیوند با کنشگری ضد آمریکایی ایران در خرید واکسن، ارزیابی می‌نماید. تشدید فشار غرب به ایران در پرونده هسته‌ای، موجب گردید که ایران به چین به دید یک متحد سیاسی بنگرد. چین از اعضای دائم شورای امنیت، دارای حق وتو و به عنوان عضوی از گروه پنج بعلاوه یک، از بازیگران اصلی در پرونده هسته‌ای ایران به شمار می‌رود. چین از تأثیرگذارترین قدرت‌ها در پرونده هسته‌ای ایران است که با گسترش سلاح هسته‌ای مخالف است و راهکار پیشنهادی برای حل این موضوع را در مذاکره و راه حل‌های دیپلماتیک می‌بیند. نگاه چین با نگاه رژیم اسرائیل که دائماً خود را در معرض تهدید وجودی از سمت ایران می‌بیند متفاوت است. رژیم اسرائیل بر خلاف چین نگاهی پیش‌دستانه را در مواجهه با ایران دنبال می‌کند. حمایت سیاسی مشروط چین از ایران، بر اساس منافع ملی این کشور بوده که می‌تواند بر روابط چین با رژیم تاثیر گذار باشد.

همزمان فشار غرب به ایران و چین بر سر مسئله حقوق بشر، از موضوعاتی هستند که همکاری دو کشور در محافل بین‌المللی به ویژه سازمان ملل و نهادهای زیر مجموعه و حقوق بشری را به دنبال داشته است. نمونه آن، ادعای غرب در مورد نقض حقوق اقلیتهای مذهبی و مخالفان سیاسی در ایران و چین است. این موضوعات مواردی همگراکننده در حوزه سیاسی بین ایران و چین به

حساب می‌آیند، که قابلیت تاثیرگذاری بر روابط چین و رژیم را دارد. رژیم اسرائیل حقوق فلسطینیان را پایمال می‌نماید، سیاست دوگانه غرب، هرگز مسئله حقوق بشر را در مورد این رژیم بطور جدی پیگیری نمی‌نماید.

۴-۲- تاثیر متغیر ایران در روابط اقتصادی چین و رژیم اسرائیل

روابط اقتصادی چین و رژیم اسرائیل جایگاه ویژه ای را در نقشه راه سرمایه‌گذاران چین به وجود آورده است، داده‌های مربوط به حجم تجارت کالا بین چین و رژیم اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ نشان از رشد روابط اقتصادی فی‌مابین دارد. بر اساس گزارش اداره مرکزی آمار رژیم اسرائیل (CBS)، تجارت کالا بین چین و رژیم اسرائیل در دو دهه گذشته به طور فزاینده‌ای رشد پیدا کرده و چین را به عنوان دومین شریک تجاری این رژیم مبدل ساخته است. در سال ۲۰۰۱ حجم تجارت رژیم اسرائیل و چین ۱,۰۷ میلیارد دلار بود که تا سال ۲۰۱۸، این عدد به ۱۱,۶ میلیارد دلار افزایش یافت. حجم تجارت کالا در سال ۲۰۱۹ با اندکی کاهش ۱۱,۲۱ میلیارد دلار رسید که این امر را می‌توان از تاثیرات کرونا و رکودی که به واسطه آن بر اقتصاد جهانی تحمیل نمود دانست. در ۹ ماهه اول سال ۲۰۲۰ حجم تجارت چین و رژیم ۹,۷۱ میلیارد دلار رسید و پیش‌بینی گردید تا پایان آن سال به همان میزان سال قبل برسد.

سال	2001	2002	2003	2004	2005	2006	2007
واردات رژیم اسرائیل از چین	0.73	0.79	1	1.41	1.88	2.42	3.47
صادرات رژیم اسرائیل به چین	0.34	0.42	0.61	0.79	0.74	0.95	1.04
مجموع	1.07	1.21	1.61	2.2	2.62	3.37	4.51
سال	2008	2009	2010	2011	2012	2013	2014
واردات رژیم اسرائیل از چین	4.24	3.52	4.73	5.45	5.3	5.64	5.95
صادرات رژیم اسرائیل به چین	1.29	1.04	2.04	2.71	2.45	2.58	2.57
مجموع	5.53	4.56	6.77	8.16	7.75	8.22	8.52
سال	2015	2016	2017	2018	2019	2020 Jan to Oct	
واردات رژیم اسرائیل از چین	5.76	5.89	6.52	6.83	6.79	6.23	
صادرات رژیم اسرائیل به چین	3.25	3.32	3.31	4.77	4.42	3.48	
مجموع	9.01	9.21	9.83	11.6	11.21	9.71	

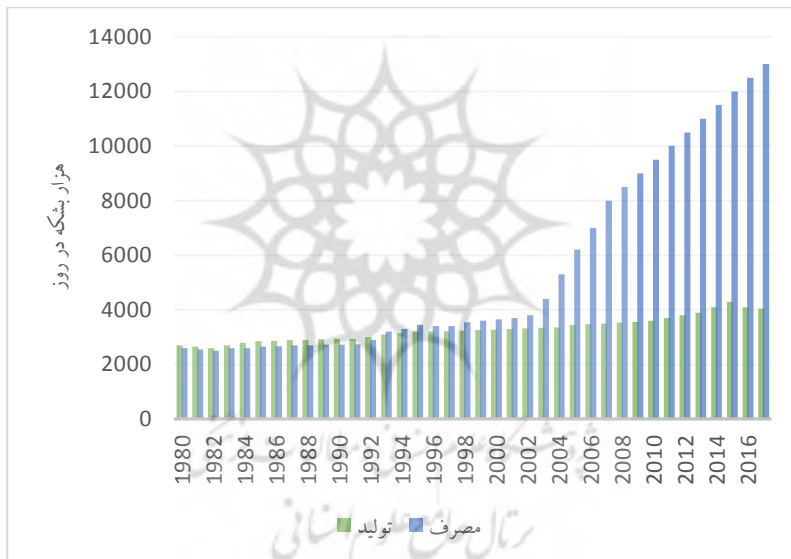
جدول ۱- تجارت رژیم اسرائیل و چین لاین سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰

2020and 2001- Trade between Israel and China between 1Table

<https://www.inss.org.il/publication/chinese-investments>

¹. <https://www.inss.org.il/publication/chinese-investments>

از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰ تراز تجاری رژیم اسرائیل در برابر چین منفی بوده و همواره میزان واردات نسبت به صادرات، فزونی داشته است. از طرفی میزان وابستگی متقابل به واسطه افزایش مبادلات و تراز تجاری فی مابین افزایش یافته است. اهمیت مولفه اقتصادی در سیاست خارجی چین و رژیم اسرائیل، تلاش چین در دستیابی به هژمونی اقتصادی، باعث ایجاد رابطه جامع اقتصادی بین آن دو گردیده است. از سوی دیگر با توجه به نقش انرژی در روند توسعه چین در دو دهه گذشته، تقاضای انرژی افزایش یافته است. نقش انرژی در توسعه زیرساخت‌های صنعتی و فعالیت‌های تولیدی چین امری ضروری محسوب می‌شود. بی‌راه نیست اگر انرژی را موتور توسعه ملی چین قلمداد نماییم. (موسوی شفائی، ۱۳۸۶)؛ (Mousavi Shafaei 2007)؛ انرژی برای چین مفهومی استراتژیک داشته، وابستگی چین به نفت وارداتی به واسطه نیاز صنعتی که دارد روز به روز بیشتر گردیده، از این رو ثبات زنجیره تامین نفت از منطقه خاورمیانه از لحاظ اقتصادی برای این کشور حائز اهمیت است.



نمودار ۱- مقایسه میزان نفت وارداتی و تولیدی در چین^۱

- Comparison of imported and produced oil in China¹Chart

<https://www.csis.org/analysis/energy-fact-opinion-chinas-net-oil-import-problem>

¹. <https://iranprimer.usip.org/blog/2019/sep/11/irans-increasing-reliance-china>

<https://www.csis.org/analysis/energy-fact-opinion-chinas-net-oil-import-problem>

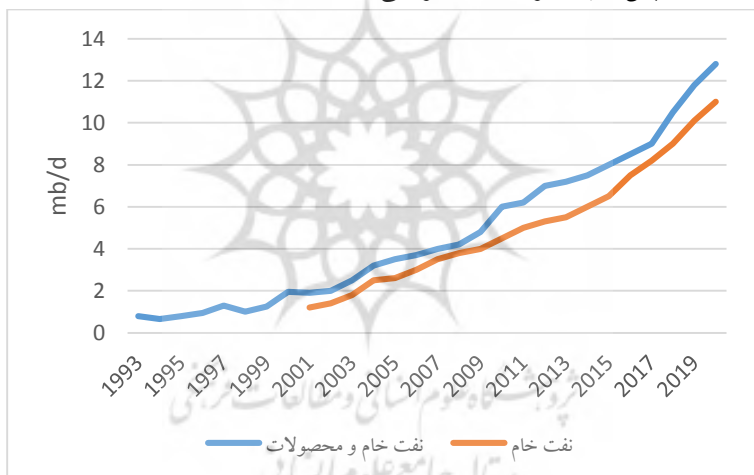
سال	2011	2012	2013	2014	2015
واردات روزانه نفت در چین	5,066,916	5,423,805	5,657,655	6,177,503	6,730,948
سال	2016	2017	2018	2019	2020
واردات روزانه نفت در چین	7,625,353	8,425,684	9,260,166	10,180,467	10,852,615

جدول ۲- واردات روزانه نفت در چین^۱

- Daily oil import in China²Table

<https://www.ceicdata.com/en/indicator/china/crude-oil-imports>

محدود بودن منابع انرژی، نیاز روز افزون به نفت، رشد اقتصادی، نگرانی دولتمردان چین در تامین با ثبات انرژی را به همراه داشته است. هرگونه اختلال در ثبات جریان انرژی، قابلیت ایجاد آسیب به اقتصادی چین را به همراه دارد. (شریعتی نیا، ۱۳۸۴: ۲)؛ (Shariati nia 2005: ۲).



نمودار ۲- رابطه افزایش تولید و میزان واردات نفت خام چین بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۰

Chart 2- The Relationship between (Increase in Production) and (The Amount of Chinese crude Oil imports) between 1993 and 2020, at: <https://crudeoilpeak.info/china-increased-oil-imports-in-covid-stricken-2020-by-a-lucky-8-8>

¹. <https://www.ceicdata.com/en/indicator/china/crude-oil-imports>

². Data: BP Statistical Review 2003-July 2021 trade movement

عمده کشورهای نفت خیز منطقه غرب آسیا، سیاست‌های خود را همسو با آمریکا در ساختار نظام بین‌الملل تنظیم نموده‌اند. از این رو ملاحظات چین نسبت به موازنه قوا در غرب آسیا و بازیگری ضد آمریکایی ایران در مقابل متحدان منطقه‌ای آمریکا، به عنوان زنجیره با ثبات در تامین انرژی، حائز اهمیت قلمداد می‌گردد.

با اتحاد رژیم اسرائیل و کشورهای عرب خلیج فارس، شانس بالاتری برای پذیرفته شدن ترجیحات این کنشگران در مواجهه با ایران در مقابل چین، رقم می‌خورد. وابستگی چین به نفت کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، به مراتب بیش از وابستگی به نفت ایران می‌باشد، اما همسویی رژیم اسرائیل با کشورهای عرب منطقه، همچون شمشیری دو لبه عمل خواهد نمود که انزوا و کنشگری منفی ایران در تامین انرژی چین را به همراه خواهد داشت. حذف ایران از بازار تامین انرژی چین می‌تواند جریان صادرات نفت به چین را محدود نماید. لذا چین با آگاهی از تاثیرات این موضوع، اقدام به موازنه سازی در خرید نفت از کشورهای منطقه نموده است. بعد از بحران کرونا کاهش مصرف انرژی در کشورهای صنعتی نشان از کاهش روند توسعه یافتگی آنها داشته است. اما چین یک استثنا در این حوزه می‌باشد.

شاخص / کشور	اروپا	هند	آمریکا	ژاپن	چین	سایر نقاط
تغییرات مصرف انرژی بین سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ (میلیون بشکه در روز) mb/d	-2.3	-0.4	-1.3	-0.5	1	-2
درصد تغییرات در واردات نفت در کشورهای مختلف صنعتی بین سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰	-0.152	-0.067	-0.14	-0.124	0.088	-0.079

جدول ۳- نرخ رشد مصرف انرژی - کشورهای آمریکا، چین، هند، اتحادیه اروپا و ژاپن.^۱

Table 3- Growth rate (energy consumption) in countries (America, China, India, European Union and Japan) at: <https://crudeoilpeak.info/china-increased-oil-imports-in-covid-stricken-2020-by-a-lucky-8-8>

با توجه به جداول فوق، نقش ایران بر روابط اقتصادی چین و تلاش در کسب سهم بیشتری از بازار فروش نفت چین خودنمایی می‌کند.

تفاهم نامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین را نباید صرفاً در چارچوب روابط دو جانبه اقتصادی نگریست. در بازی شطرنج ژئوپلیتیک جهانی که یک سمت آن چین، ایران، روسیه رو در روی قدرت‌های غربی قرار گرفته‌اند، ایران از یک سو به واسطه نیاز چین به نفت و گاز غرب آسیا و از سوی دیگر پروژه ابتکار کمربند جاده، به پویایی دیپلماسی اقتصادی در تاثیر بر رابطه چین و رژیم

^۱. <https://crudeoilpeak.info/china-increased-oil-imports-in-covid-stricken-2020-by-a-lucky-8-8>

اسرائیل نیاز دارد. این تفاهم نامه یک دگرگونی ژئوپولیتیک بزرگ در مناسبات ایران با چین به حساب می‌آید. همچنین ایران در گفتگوهای برجامی وین به طرف غربی، چنین القا نموده است که از پشتیبانی دومین اقتصاد بزرگ دنیا برخوردار است.

در تاثیر گزاری متغیر روابط اقتصادی ایران بر چین و رژیم اسرائیل، ذکر این نکته الزامی است، که استراتژی متنوع‌سازی منابع واردات انرژی چین، افزایش توان چانه زنی این کشور نسبت به صادرکنندگان انرژی به ویژه ایران را در بر داشته است. این موضوع فرایند تشدید تحریم های نفتی ایران را که رژیم اسرائیل با لابی گری در بدنه آمریکا در ایجاد و افزایش آن نقش بسزایی داشته، باعث تنزل جایگاه ایران از میان تامین کنندگان اصلی نفت مورد نیاز چین به یک تامین کننده فرعی و تصاحب بازار ایران توسط عراق و روسیه شده است. از میزان واقعی صدور نفت ایران به چین آمار دقیقی در دست نیست. ایران برای تصاحب بازار نفت خود نیازمند است که با قیمتی رقابتی تر نفت خود را عرضه نماید.

رتبه	۲۰۰۵-۲۰۰۹	رتبه	۲۰۱۰-۲۰۱۴	رتبه	۲۰۱۵-۲۰۱۹
۱	عربستان سعودی	۱	عربستان سعودی	۱	روسیه
۲	آنگولا	۲	آنگولا	۲	عربستان سعودی
۳	ایران	۳	ایران	۳	آنگولا
۴	روسیه	۴	روسیه	۴	عراق
۵	عمان	۵	عمان	۵	عمان
۶	سودان	۶	عراق	۶	ایران
۷	کنگو	۷	ونزوئلا	۷	برزیل
۸	ونزوئلا	۸	کویت	۸	کویت
۹	قزاقستان	۹	قزاقستان	۹	ونزوئلا
۱۰	یمن	۱۰	امارات متحده	۱۰	امارات متحده

جدول ۴- واردات انرژی چین، در بازه های ۵ ساله.^۱

Table 4- China's energy imports, in 5-year intervals.

Design: HiramHenriquez, Data: HIS Markit (2019) and UN Comtrade (other years) <https://www.energypolicy.columbia.edu>

¹. Design: HiramHenriquez, Data: HIS Markit (2019) and UN Comtrade (other years) <https://www.energypolicy.columbia.edu>

کشور	درصد	کشور	درصد
عربستان سعودی	16.4	کویت	5.26
روسیه	15.8	آمریکا	۴.۴۵
عراق	11.3	نروژ	2.62
عمان	7.53	انگلستان	1.44
برزیل	7.26	قطر	0.94
آنگولا	8.07	غنا	0.82
امارات متحده عربی	۵.۷۲	ایران	0.77

جدول ۵- واردات انرژی چین، در سال ۲۰۲۰

2020- China's energy imports in 5Table

[https://oec.world/en/profile/bilateral-product/crude-](https://oec.world/en/profile/bilateral-product/crude-5=comparisonOption0petroleum/reporter/chn?compareExports)

[5=comparisonOption0petroleum/reporter/chn?compareExports](https://oec.world/en/profile/bilateral-product/crude-5=comparisonOption0petroleum/reporter/chn?compareExports)

با کاهش واردات نفت از ایران، سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های انرژی ایران کاهش یافته است. به عنوان مثال در توسعه فاز یازده پارس جنوبی، بعد از خروج آمریکا از برجام و خروج توتال، شرکت چینی CNPC نیز از این قرارداد خارج گردید. این در حالی است که میزان سرمایه‌گذاری چین در دهه اخیر در صنعت نفت عراق ۲۰ میلیارد دلار بوده است. از این رو کاهش سرمایه‌گذاری چین در حوزه انرژی ایران با کاهش نقش اقتصادی ایران در این کشور متناظر است. در سال ۲۰۲۰ مبادلات تجاری ایران و چین، ۱۴ میلیارد دلار بوده که ۲۸٪ درصد از مجموع تجارت خارجی چین را در بر می‌گیرد. این در حالی است که میزان تجارت چین با سایر کشورهای کلیدی منطقه به دلیل تشدید تحریم‌های ایران، بیشتر شده است. بنابراین حجم مبادلات تجاری و وابستگی متقابل بر میزان نقش اقتصادی ایران در رابطه با چین و رژیم اسرائیل اثرگذار است.

در ابتکار کمربند جاده‌ها^۱ در اولین نقشه‌های طرح شده، نقش اقتصادی ایران با اهمیت بود. ترسیم ایران به عنوان قلب راه ابریشم، تنها کریدور مسیر خشکی بود. اما این کریدور در واقعیت چندان تحقق نیافته و در سطح سران تفاهم شده است. دو پروژه ریلی الف- برقی کردن خط آهن تهران مشهد ب- راه آهن سریع تهران اصفهان در قالب همکاری دو کشور در این طرح قلمداد شده که در دوره اجرایی شدن توافق هسته‌ای وارد فاز اجرایی گردید، اما با خروج آمریکا و همزمانی آن با شیوع کرونا هر دو متوقف گردیدند، پاسخ به این سوال که ابتکار کمربند جاده چه

^۱. Interdependence

^۲. One Belt, One Road Initiative

میزان نشان از نقش اقتصادی ایران بر روابط چین و متعاقب آن بر رژیم اسرائیل دارد، حایز اهمیت است.

تاثیرگزاری ایران به وسیله کریدور منطقه‌ای^۱ «ایران، عراق، سوریه، دریای مدیترانه» بر روابط چین و رژیم اسرائیل اثر گذار خواهد بود. دسترسی چین به اروپا و دریای مدیترانه، در سه کریدور تعریف می‌شود. کریدور اول: مسیر ریلی ایران، عراق، سوریه، دریای مدیترانه. کریدور دوم: مسیر ریلی بندر فجیره امارات، عربستان، اردن، بندر حیفه، دریای مدیترانه. کریدور سوم: مسیر دریایی اقیانوس هند، خلیج عدن، دریای سرخ، خلیج عقبه، بندر ایلات، مسیر ریلی ایلات اشدود، دریای مدیترانه. با عملیاتی شدن کریدور اول توسط ایران، روند توسعه بندر حیفه توسط چین در ابتکار یک کمر بند یک جاده متاثر خواهد گردید.

علت واقعی نگرانی رژیم اسرائیل از تسلط ایران بر مرز مشترک عراق-سوریه و جنجالی که رژیم اسرائیل درباره ایجاد کریدور تهران، بغداد، دمشق، بیروت به پا کرد، از حیث نظامی آنقدر اهمیت ندارد که از حیث اقتصادی دارد. با اتصال ایران به عراق و سوریه و مدیترانه، قدرتی اقتصادی حاصل خواهد شد که تسلط محور مقاومت بر قلب منطقه را تا سالهای طولانی تضمین می‌کند. این طرح، راه ابریشم را به محوریت ایران زنده می‌کند. راه امنی که چین، از آن استقبال می‌کند. رژیم اسرائیل به دنبال مهار طرح ایران در منطقه به منظور قطع نفوذ منطقه‌ای ایران است.

۴-۳- تاثیر متغیر ایران در روابط نظامی چین و رژیم اسرائیل

با توجه به قابلیت‌ها و نوآوری‌های چین در زمینه فناوری نظامی، این کشور از اهمیت فراوانی برای ایران برخوردار است. ایران از همکاری نظامی با چین در جهت ایجاد موازنه نظامی در منطقه بهره برده است. از سوی دیگر، چین امیدوار است در گسترش روابط نظامی با رژیم اسرائیل با توجه به جایگاه استراتژیک این رژیم در خاورمیانه و روابط نظامی با غرب، از پتانسیل آن بهره‌مند گردد و این فناوریهای پیشرفته را به حوزه نظامی خود تسری دهد، از این رو ایران این امکان را خواهد داشت که از تکنولوژی پیشرفته نظامی غرب که به واسطه رژیم اسرائیل به چین رسیده است، استفاده نماید. این موضوع در وهله اول عامل نگرانی رژیم اسرائیل در انتقال فناوری‌های نظامی پیشرفته به چین بوده است. رژیم اسرائیل نگران است که این تکنولوژی‌ها به دشمنان منطقه‌ای رژیم اسرائیل (ایران)، انتقال یابد و از آن بر علیه رژیم اسرائیل استفاده گردد.

در وهله دوم، نگرانی آمریکا از انتقال فناوری‌های نظامی پیشرفته به چین را به همراه خواهد داشت. فراتر رفتن قدرت نظامی چین به خارج از مرزهایش و تهدید تایوان عاملی برای نگرانی آمریکا خواهد بود، از سوی دیگر انتقال این تکنولوژی‌ها توسط چین به ایران می‌تواند نگرانی‌های مضاعفی برای آمریکا داشته باشد، از این رو در سالهای اخیر رژیم اسرائیل هدف خود را افزایش

^۱. Regional Corridor

صادرات غیرنظامی به چین قرار داده و بنظر می‌رسد تجدید صادرات نظامی در آینده نزدیک غیر قابل پیش‌بینی باشد، البته صادرات کالاهای با کاربرد دوگانه بعید به نظر می‌رسد که امکان پذیر نباشد.

باید در نظر داشت همکاری نظامی ایران و چین به دلیل تحریم سازمان ملل در مورد برنامه هسته‌ای ایران در دهه ۲۰۰۰، در دو بعد منطقه‌ای و جهانی با محدودیت‌هایی مواجه گردید، قطعنامه‌های شورای امنیت، همکاری در صنایع موشکی (بالستیک) و هسته‌ای ایران را ممنوع کرده‌اند. در سال ۲۰۱۰ دامنه ممنوعیت فروش تسلیحات به ایران گسترده تر شد و عملاً همکاری نظامی چین و ایران از بین رفت.

بر اساس استراتژی دفاعی آمریکا همانگونه که ایران در خاورمیانه نباید به عنوان هژمون منطقه‌ای ظهور کند، چین نیز در آسیای شرقی باید در مرزهایش محدود شود، استراتژی نظامی آمریکا باعث گردیده ایران و چین در مهار دامنه نفوذ غرب پیرامون خود، منافع مشترکی داشته باشند. شرق آسیا از کانونهای اصلی اقتصاد جهانی بوده و خلیج فارس مرکز تامین انرژی برای چین است، چین تأثیرگذاری در خاورمیانه را بدون همراهی ایران دشوار می‌بیند، از سوی دیگر، ایران برای افزایش ظرفیت خود در توازن نظامی منطقه‌ای به فناوری‌های نظامی چین نیازمند است. این پیوند آسیایی نقش ایران را در روابط نظامی چین و رژیم اسرائیل پررنگ می‌نماید. منطقی به نظر می‌رسد چین برای تضمین در تامین امنیت انرژی خود در خلیج فارس، با ایران همکاری نظامی را از سر بگیرد. همکاری نظامی چین با ایران نباید به گونه‌ای باشد که مانعی در انتقال فناوریهای نظامی رژیم اسرائیل به چین گردد.

ایران با درک از محیط نا امن غرب آسیا و همچنین نداشتن بمب افکنهای راهبردی، گزینه ایده‌آل خود را برای بازدارندگی و ایجاد موازنه قدرت، در برخورداری از موشکهای بالستیک یا پهپاد می‌داند. لذا این امکان وجود دارد توسعه موشکی و پهپادی ایران، عاملی اثرگذار در فشار آمریکا بر رژیم اسرائیل و متعاقب آن، تأثیر بر روابط نظامی چین و رژیم اسرائیل در این حوزه باشد و پیشرفت موشکی و پهپادی ایران باعث گردد نگاه بدبینانه از انتقال فناوریهای آمریکایی به پکن از طریق رژیم اسرائیل پررنگ تر شود. لذا با درک نگرانی آمریکا، علی‌رغم تضمین‌های رژیم اسرائیل این نگرانی‌ها همچنان به قوت خود باقی مانده و باعث اعمال فشار بر رژیم اسرائیل توسط آمریکا خواهد شد، نمونه‌ای از اعمال فشار آمریکا، که در سال ۲۰۰۶ رخ داد، لغو قرارداد فالکن توسط «صنایع نظامی آمریکا» بود که این کشور مستقیماً از اهرم فشار خود در متقاعد نمودن رژیم اسرائیل در لغو این قرارداد استفاده نمود.

نتیجه‌گیری

نیاز روز افزون چین به انرژی، ثبات در تامین آن را حائز اهمیت نموده، آنگونه که امنیت انرژی

از مولفه‌های شکل‌دهنده سیاست خاورمیانه‌ای چین قلمداد می‌شود. همکاری گسترده ایران با چین و تقارن زمانی آن با رابطه نزدیک چین و رژیم اسرائیل را می‌توان از این منظر ارزیابی نمود. علی‌رغم تلاشهایی که چین در تنوع بخشی در واردات نفت از کشورهای نظیر روسیه، قزاقستان، آنگولا نموده، اما به علت نیاز روز افزون این کشور به انرژی، وابستگی بیش از ۵۰ درصدی به نفت خلیج فارس نه تنها کاهش نیافته، بلکه این وابستگی بیشتر شده و در آینده نیز افزایش وابستگی به نفت خلیج فارس را می‌توان متصور بود. خصوصاً بعد از حمله روسیه به اوکراین و تحریم بخش نفت و گاز روسیه، میزان وابستگی چین به نفت خاورمیانه از یک سو و ثبات در این منطقه از سوی دیگر، بیش از پیش برای چین پررنگ گردیده است.

از این رو چین ثبات در تامین انرژی را در موازنه سازی میان دو گانه‌های متعارضی چون ایران و رژیم اسرائیل می‌بیند، ثبات در تامین انرژی، ارتباط مستقیمی با پیشرفت چین در حوزه‌های مختلف دارد.

ایران به خوبی آگاه است که قطع جریان نفت در چین به کمبود فراوان انرژی و افزایش چشمگیر قیمت‌ها در این کشور منجر خواهد گردید. ایران آسیب‌پذیری چین در تامین بی‌ثبات نفت وارداتی را به خوبی درک نموده است. لذا این موضوع می‌تواند به عنوان متغیری تأثیرگذار بر روابط چین و رژیم اسرائیل عمل نماید. هم‌زمانی این موضوع با ملاحظات استراتژیک چین نسبت به ایران به عنوان تامین کننده امنیت انرژی در خلیج فارس همسویی دارد. ملاحظات استراتژیک چین نسبت به بازیگری منطقه‌ای ایران به واسطه ضدیتی که با آمریکا دارد پررنگ‌تر شده است. احساس تهدید چین از سلطه استراتژیک آمریکا به منابع انرژی در خلیج فارس به واسطه نقش هژمونیک و نظم ساز این کشور باعث گردیده همواره پس از تسلط ایالات متحده آمریکا بر مسیرهای مواصلاتی انرژی به عنوان یک ابزار فشار بر علیه چین نگران باشد از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که متغیر ایران به واسطه بازیگری ضد آمریکایی که دارد می‌تواند در مواجهه با متحدان منطقه‌ای آمریکا از جمله رژیم اسرائیل به صورت یک موازنه ساز به نفع چین عمل نماید. این امر نهایتاً تامین با ثبات انرژی برای چین را به همراه خواهد داشت. لذا چین در مواجهه با رژیم اسرائیل همواره نقش اثرگذار ایران به عنوان یک متغیر را لحاظ خواهد نمود. بدیهی است در صورت برهم خوردن توازن میان دو گانه‌های متعارضی چون رژیم اسرائیل و ایران، بی‌ثباتی، نا امنی، جنگ در منطقه به ویژه خلیج فارس افزایش یابد که ارتباط مستقیمی با منافع حیاتی چین خواهد داشت.

منابع فارسی

۱. ارغوانی پیرسلامی، ف.، میر احمدی، س. (۱۳۹۸). «توضیح سیاست موازنه منطقه‌ای چین در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، ۸(۲)، ۱۷۶-۱۳۹.

۲. محمدزاده ابراهیمی، ف.، ملکی، م. (۱۳۹۸). چشم انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی سازی روابط اسرائیل و اعراب. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۳)، ۶۴-۴۵.
۳. متقی، ا. (۱۳۹۲). تحول رویکرد موازنه قوا در نظم منطقه‌ای، هویت‌گرایی در مقابل ساختارگرایی. *فصلنامه راهبرد*، شماره ۹۷.
۴. شریعتی‌نیا، م. (۱۳۹۱). مولفه‌های تعیین‌کننده روابط ایران و چین. *فصلنامه روابط خارجی*، ۴(۲).
۵. شیخ‌الاسلامی، م.، پاکدل مجد، م. (۱۳۹۰). تحول استراتژی متوازن در سیاست خارجی چین. تحقیق در ۳ دوره زمانی متمایز سیستم خارجی (۱۸۰۰-۱۳۰۰)، جنگ سرد (۱۹۹۱-۱۹۴۷) و دوران پس از جنگ سرد (۲۰۲۱-۱۹۹۱). *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۳(۱).
۶. شیخ‌الاسلامی، م.، سلامی زواره، م.، فلاحی برزوکی، م. (۱۳۹۷). اهمیت و جایگاه فناوری برتر در استراتژی سیاست خارجی چین. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۲(۸۴).
۷. ضرغامی خسروی، س.، ذاکریان، م.، برزگر، ک.، کاظمی‌زند، س.، ع. (۱۳۹۷). تأثیر پروژه ایران‌هراسی بر استراتژی جدید منطقه‌ای اسرائیل. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۶(۴)، ۸۶-۶۷.

English References

1. Aizhu, Chen, (2022), "China's annual crude oil imports drop for first time in 20 years", January 14 at: <https://www.reuters.com/markets/commodities/chinas-crude-oil-imports-post-first-annual-drop-20-years-2022-01-14/>
2. Associated Press, (2021), "Foreign Policy: Iran, China sign strategic long-term cooperation agreement", March 27 at:
3. <https://www.politico.com/news/27/03/2021/iran-china-agreement-478236>
4. Burchill Scott, Link later, (2001), A., "Realism and Neorealism", In: *Theories of International Relations*, London: Macmillan Press.
5. Blackwell, S., Alexander, K., Gervais, V., (2021), "The Iran-China trade deal: regional implications", April at: <https://trendsresearch.org/insight/the-iran-china-trade-deal-regional-implications/>
6. Chen, Mo (2011), "Exploring Economic Relations between China and the GCC States", *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 5(4), 8-105.
7. Doron, Ella, (2021), "Chinese investment in Israel: development and a look to the future", Special publication, february 1.
8. EFRON, SH., SCHWINDT, K., HASKEL, E., (2020), "Chinese Investment in Israeli Technology and Infrastructure", Security Implications for Israel and the United States, Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif.
9. Efron, Sh., Shatz, Howard J., Chan, A., Haskel, E., Lyle J. Morris, Scobell, A., (2019),

“*The Evolving Israel China Relationship*”, Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif.

10. Matt, (2021), “*China increased oil imports in Covid stricken 2020 by a lucky 8.8%*”, August 29 at: <https://crudeoilpeak.info/china-increased-oil-imports-in-covid-stricken-2020-by-a-lucky-8-8>
11. Reale Hannah, Emma Bingham, and Kara Greenberg, (2020), “Where Does China Get Its Oil?”.
12. Shai, Aron, (2009), "Sino-Israeli Relations: Current Reality and Future Prospects", Institute for National Security Studies, Memorandum
13. Scott, W. Harold, Alireza Nader, (2012), “*China and Iran Economic, Political, and Military Relations*”, at: https://www.rand.org/pubs/occasional_papers/OP351.html
14. Yellinek, Roie, (2020), “How can China maintain good relations with both Israel and Iran?” September 29 at: <https://www.mei.edu/publications/how-can-china-maintain-good-relations-both-israel-and-iran>.
15. Nasri, G., (2007), The Method of Cognition in Neorealism, *Journal of Strategic Studies*, 10(2).
16. Shariatinia, M., (2010), “China and Israel Strategic Business Third Actors”, *Journal of Regional Studies, American Studies, Israeli Studies*, 11(3).

Translated References to English

1. Arghavani Pirsalami, F., Mir Ahmadi, S. (2019). “Explain China's regional balancing policy in the Middle East”, *Journal of World Politics*, 8(2), 139-176. **(In Persian)**
2. Arghavani Pirsalami, F., Salehi, S.J., Alipour, H. (2020), “Developing Sino- Israeli Relations in the Post-Cold War Era, Analyzing Desecuritization Scenarios for Iran.” *Вестник МГИМО-Университета*. 2020. 13(3). С. 205-224 DOI 10.24833/2071-8160-2020-3-72-205-224 ИССЛЕДОВАТЕЛЬСКИЕ СТАТЬИ **(In Persian)**
3. Aizhu, Chen, (2022), “*China's annual crude oil imports drop for first time in 20 years*”, January 14 at: <https://www.reuters.com/markets/commodities/chinas-crude-oil-imports-post-first-annual-drop-20-years-2022-01-14/>
4. Associated Press, (2021), “Foreign Policy: Iran, China sign strategic long-term cooperation agreement”, March 27 at:
5. <https://www.politico.com/news/27/03/2021/iran-china-agreement-478236>

6. Burchill Scott, Link later, (2001), A., "Realism and Neorealism", *In: Theories of International Relations*, London: Macmillan Press.
7. Blackwell, S., Alexander, K., Gervais, V., (2021), "The Iran-China trade deal: regional implications", April at: <https://trendsresearch.org/insight/the-iran-china-trade-deal-regional-implications/>
8. Chen, Mo (2011), "Exploring Economic Relations between China and the GCC States", *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 5(4), 8-105.
9. Doron, Ella, (2021), "Chinese investment in Israel: development and a look to the future", Special publication, february 1.
10. EFRON, SH., SCHWINDT, K., HASKEL, E., (2020), "Chinese Investment in Israeli Technology and Infrastructure", Security Implications for Israel and the United States, Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif.
11. Efron, Sh., Shatz, Howard J., Chan, A., Haskel, E., Lyle J. Morris, Scobell, A., (2019), "The Evolving Israel China Relationship", Published by the RAND Corporation, Santa Monica, Calif.
12. Matt, (2021), "China increased oil imports in Covid stricken 2020 by a lucky 8.8%", August 29 at: <https://crudeoilpeak.info/china-increased-oil-imports-in-covid-stricken-2020-by-a-lucky-8-8>
13. Mohammadzadeh Ebrahimi, F., Maleki, M., (2020), "The prospect of Middle East peace in the shadow of the normalization of Israeli-Arab relations" *International Studies Journal (ISJ)*, 17(3), 45-64 **(In Persian)**
14. Mottaqi, E., (2013), "The evolution of the balance of power approach in regional order, identityism versus structuralism", *Strategy Magazine*, No. 97. **(In Persian)**
15. Nasri, G., (2007), "The Method of Cognition in Neorealism", *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 10(2). **(In Persian)**
16. Reale Hannah, Emma Bingham, and Kara Greenberg, (2020), "Where Does China Get Its Oil?".
17. Shai, Aron, (2009), "Sino-Israeli Relations: Current Reality and Future Prospects", Institute for National Security Studies, Memorandum
18. Shariatinia, M., (2010), "China and Israel Strategic Business Third Actors", *Quarterly Journal of Regional Studies*, American Studies, Israeli Studies, 11(3). **(In Persian)**
19. Shariatinia, M., (2012), "Determinants of Iran-China relations", *Foreign Relations*

Quarterly, 4(2). **(In Persian)**

20. Shaykh al-Islami, M., Pakdel Majd, M., (2021), "Evolution of Balancing Strategy in China's foreign policy; a research into 3 distinct time periods of tributary system (1300-1800), Cold war (1947-1991) and post-cold war era (1991-2021)", *Quarterly Journal of Foreign Relations*, 13(1), **(In Persian)**
21. Shaykh al-Islami, M., Salami Zavareh, M., Fallahi Barzouki, M. (2019), "The Importance and Position of Top Technology in China's Foreign Policy Strategy", *Quarterly Journal of International Relations Studies*, 12(84). **(In Persian)**
22. Scott, W. Harold, Alireza Nader, (2012), "China and Iran Economic, Political, and Military Relations", at: https://www.rand.org/pubs/occasional_papers/OP351.html
23. Yellinek, Roie, (2020), "How can China maintain good relations with both Israel and Iran?" September 29 at: <https://www.mei.edu/publications/how-can-china-maintain-good-relations-both-israel-and-iran>.
24. Zarghami Khosravi, S., Zakerian, M., Barzegar, K., Kazemi Zand, S., A., (2020), *The Impact of the Iranophobia Project on Israel's New Regional Strategy. International Studies Journal (ISJ)*, 16(4), 67-86. **(In Persian)**